

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۶۳

۲۵ دی ۱۴۰۰ / ۱۵ ژانویه ۲۰۲۲



## در این شماره می‌خوانید:

سیاست دولتی خصومی سازی آموزش در ایران

رسول بدایق: آموزش و پرورش جزو اولویت‌های سران حکومت در ایران نیست

معین خزائلی: تداوم روند کالایی سازی آموزش، تعرض به حق اشتغال معلمان است

مسعود گُردپور: آموزش در ایران، مسأله‌ای طبقاتی است

حسن نایب هاشم: در صورت ادامه اعتصابها، حکومت ایران به مطالبات معلمان تمکین خواهد کرد

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: آفاق ربیعی‌زاده، جواد عباسی توللی، بهنام دارایی‌زاده

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

## سیاست دولتی خصوصی سازی آموزش در ایران



بهنام دارایی زاده

دهه ۷۰، در اصل خانه‌ها یا بناهای قدیمی بودند که صاحبان آن‌ها با رانت و رایزنی در دولت هاشمی رفسنجانی، موفق شده بودند یک‌شبه «تغییر کاربری» بگیرند املاک خود به واحدهای آموزشی یا مدارس غیرانتفاعی تبدیل کنند.<sup>۱</sup> در پاسخ به این پرسش مهم که پس چرا در چنین شرایطی، بخش مشخصی از جامعه، در برابر سیاست حکومتی «خصوصی سازی آموزش» سکوت کرد و در نهایت به آن تن داد؛ می‌توان به دلایل مختلفی اشاره کرد.

نکته محوری این است که استقبال بخش مشخصی از طبقه متوسط ایران از تاسیس مدارس غیرانتفاعی، در سال‌های میانی دهه ۱۳۷۰، صرفاً با ارجاع به دلایل «آموزشی» نمی‌توان توجیه کرد؛ دلایل دیگری نیز در میان بود؛ از جمله این که خانواده‌هایی که توان مالی و رویکردهای متفاوتی فرهنگی داشتند؛ سعی داشتند که فرزندان خود به مدارس غیرانتفاعی بفرستند. باور عمومی در آن مقطع این بود که دانش‌آموزانی که به مدارس غیرانتفاعی می‌روند؛ از آزادی عمل بیشتری

خصوصی‌سازی و کالایی کردن آموزش در ایران موضوع تازه‌ای نیست. واقعیت این است که تمامی دولت‌هایی که پس از «جنگ» بر سر کار آمده‌اند؛ به درجات مختلف، سیاست کالایی‌سازی آموزش در ایران را پیش برده‌اند.

این نکته را هم نمی‌شود پنهان کرد که بخش بزرگی از «طبقه متوسط» ایران، به طور مشخص در شهرهای بزرگ، از سال‌های ابتدایی دهه‌ی ۱۳۷۰، با سیاست دولتی-حکومتی «خصوصی سازی آموزش» هم‌راه بوده‌اند. به این معنا که به موازات اُفت کیفی خدمات آموزشی در کشور، بخش مشخصی از جامعه، از تاسیس یا افزایش شمار موسسات و مدارس غیردولتی و خصوصی، در محل زندگی‌شان استقبال کردند.

رشد فزاینده‌ی «مدارس غیرانتفاعی»، در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰، نمونه‌ایی از وجود چنین گرایشی در میان طبقه متوسط ایران است. مدرسی که حتی از حداقل امکانات لازم هم برخوردار نبودند و بسیاری از آن‌ها، آشکارا فاقد استانداردهای پذیرفته شده، از نظر فضاهای آموزشی، ایمنی، بهداشت و... بودند.

واقعیت این است که بسیاری از مدارس «غیرانتفاعی» اوایل

برخوردارند و کمتر زیر فشار دستگاه تبلیغاتی-ایدئولوژیک جمهوری اسلامی قرار دارند.

### نقض نظام‌مند حق آموزش

همان طور که در ابتدا این یادداشت اشاره شد؛ «کالایی‌سازی» یا «خصوصی شدن» نظام آموزش در ایران اتفاق تازه‌ایی نیست؛ آن چه تازه یا جدید به حساب می‌آید؛ اعتراض مستمر و معنادار نسبت به سیاست‌های خصوصی‌سازی آموزش در ایران است. اعتراضی که طی سال‌های گذشته، به دانشگاه‌ها و موسسات «آموزش عالی» محدود نمانده و هم‌اینک بخش بزرگی از معلمان و جامعه فرهنگی و «طبقه متوسط» را نیز در نهایت همراه کرده است.

این طور به نظر می‌رسد که «کالایی‌سازی خدمات آموزش در ایران» را باید بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر دولتی به حساب آورد. واقعیت این است که در تمامی این سال‌ها، دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، برای کسب سود و امکان چپاول بیش‌تر، مجموعه‌ایی از سیاست‌های اقتصادی «نئولیبرال» را پی‌گیری کرده‌اند که در نهایت به محروم‌سازی بخش بزرگی از جامعه ایران از حقوق «اقتصادی-اجتماعی»، نظیر آموزش، بهداشت، درمان، مسکن، تامین اجتماعی و... انجامیده است.

این نکته هم را باید اضافه کرد که تضییع و پایمال کردن حقوق اقتصادی-اجتماعی در ایران، «نظام‌مند» بوده است. به این معنا که درست به مانند نقض حقوق و آزادی‌های زنان یا اقلیت‌های دینی، حقوق «اقتصادی-اجتماعی» مردم ایران هم به طور نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده نقض شده است. تا این اندازه که با تغییر دولت‌ها، هیچ تفاوت معناداری در اجرای سیاست‌های نئولیبرالی یا کاستن از خدمات اجتماعی، چه در دولت‌های رفسنجانی و خاتمی و چه در زمان احمدی‌نژاد، روحانی و رئیسی دیده نمی‌شود.

### دولت و عدالت آموزشی

در دنیای امروز، «دانش» یکی از منابع اصلی قدرت اقتصادی-اجتماعی به حساب می‌آید. بنابراین، «عدالت آموزشی» اقتضا می‌کند که دسترسی تمامی شهروندان به خدمات آموزشی، منصفانه و بر پایه منافع جمعی و اصول حقوق بشری تنظیم شود.

ماده‌ی ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به «حق آموزش»، به مثابه یکی از اصلی‌ترین حقوق اقتصادی-اجتماعی، اشاره دارد. در این چهارچوب، دولت‌ها موظف هستند که از طریق بودجه‌گذاری درست، خدمات آموزشی مناسب را برای عموم مردم فراهم کنند.

علاوه بر «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، کنوانسیون حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل (ماده ۱۳) و کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۲۹) به مسئولیت دولت‌ها در قبال فراهم کردن امکانات آموزشی اشاره دارند. دولت ایران، هر دوی این پیمان‌نامه‌های بین‌المللی را امضا کرده است. بنابراین، برابر عرف و رویه حقوق بین‌الملل، هم متعهد به فراهم کردن امکانات آموزشی برای عموم مردم است.

از سوی دیگر، دولت ایران بر اساس موازین داخلی، مشخصاً اصل ۳۰ قانون اساسی، نیز موظف است که دسترسی به آموزشی رایگان و همه‌گانی را دست‌کم تا پایان «دوره متوسطه» فراهم کند.

برای سال‌های متمادی، تا همین یک دهه پیش، آموزش عالی و رفتن به دانشگاه برای فرودستان و به حاشیه‌رفته‌گان جامعه، یک مسیر به نسبت تجربه شده بود تا بتوانند از خاستگاه‌ها و نیازهای طبقاتی‌شان فاصله بگیرند و در نهایت گستره‌ی تازه‌ایی پیش روی خود باز کنند. با کالایی‌تر شدن بیش‌تر آموزش، هر سال این دریاچه بسته‌تر شده است.

از طرفی دیگر باید به این نکته هم اشاره کرد که روند خصوصی‌سازی آموزش در ایران، با افت کیفی مدارس دولتی هم‌راه بوده. در طی دو دهه گذشته، کیفیت مدارس دولتی به

۱. قانون تاسیس مدارس غیرانتفاعی، در خردادماه سال ۱۳۶۷ تصویب شد و پس از آن در دولت هاشمی رفسنجانی و تمامی دولت‌های بعدی، سال به سال از کیفیت آموزشی مدارس دولتی در ایران کاسته شد و در برابر، بر شمار مراکز خصوصی، دانشگاه‌های آزاد، دانشگاه پیام نور، دوره‌های شبانه دانشگاه‌های دولتی، و البته گردش مالی موسسات کنکور، افزوده شده است.



گونه‌ایی پایین آمده که در حال حاضر بیش از ۹۰٪ رتبه‌های برتر دانشگاه‌های سراسری، فارغ‌التحصیلان مدارس غیرانتفاعی یا مدارس غیردولتی هستند.

### آموزش رایگان، همه‌گانی و سکولار

تامین «حق آموزش» در گرو مقابله معنادار با خصوصی‌سازی آموزش است. خدمات آموزشی، «کالا» نیستند که تنها در اختیار «متقاضیان»، یا آن‌هایی که «قدرت خریدش» دارند قرار گیرد. دولت‌ها موظف هستند که از طریق دخالت معنادار در مناسبات «بازار آزاد»، دانش و آموزش را از سازوکار «عرضه و تقاضا» خارج کنند و در اختیار عموم مردم قرار دهند.

دولت‌ها وظیفه دارند که برای ساخت و نگهداری فضاهای آموزشی، تجهیز مدارس، آموزش نیروی انسانی و... بودجه بگذارند. اگر هزینه‌های اضافی لازم است؛ این هزینه‌ها باید جداگانه از محل منابع عمومی، تامین مالی شود. برای مثال، در میانه همه‌گیری ویروس کرونا، زمانی که ارائه خدمات آموزش «مجازی» شده است؛ این وظیفه دولت‌ها است که امکانات سخت‌افزاری لازم را برای «آموزش آنلاین» در اختیار خانواده‌ها قرار دهند.

از طرف دیگر، دولت وظیفه دارد که خدمات آموزشی را «بدون تبعیض» فراهم کند. به این معنا که تمامی شهروندان، قطع نظر از وضعیت مالی، اقامتی، گرایش‌ها و هویت‌های جنسی یا باورهای مذهبی و... باید بتوانند به خدمات آموزشی همه‌گانی دسترسی داشته باشند.

از این جهت، نظام آموزشی کشور نه تنها باید «رایگان» و «همه‌گانی» باشد؛ بل که لازم است «سکولار» هم باشد. طرح‌های نظیر «سه‌په‌بندی جنسیتی» که در نهایت نیمی از جامعه را به طور «نظام‌مند»، بر اساس ملاحظات مذهبی و... از حقوق اجتماعی یا حق تحصیل‌شان محروم می‌کند؛ از اساس باید برچیده شود.

در این چهارچوب، اعتراض‌هایی که به «سه‌په‌بندی

جنسیتی» دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی صورت می‌گیرد را باید در زمره مطالبات مهم و محوری فعالان و کنش‌گران مدنی به حساب آورد.

### مطالبات معلمان

این برداشت که خواست‌ها و مطالبات معلمان در ایران صرفاً «صنفی» است؛ یا معلمان فقط به دنبال بهبود شرایط معیشت و زندگی خود هستند اشتباه است. این گفته، درست است که

اعتراض‌های معلمان، در دهه ۱۳۸۰، با مطالبات «صنفی» شروع شد؛ اما در ادامه، به ویژه پس از اعتراض‌های دامنه‌دار سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲، دیگر فقط «صنفی» نبود و مطالبات گسترده‌تری را پوشش داده است.

در سال‌های اخیر، گزارش‌های پرشماری از اعتراض‌های معلمان در سراسر کشور وجود دارد که نشان می‌دهد معلمان و فرهنگیان ایران، علاوه بر این که پی‌گیر حقوق و امتیازات قانونی خود هستند؛ برای مثال اجرای قانون «هم‌سان‌سازی» یا فرضاً طرح «رتبه‌بندی مشاغل»، نسبت به مسائل و

موضوع‌های دیگر هم حساس‌تر شده‌اند. عدالت آموزشی، تمرکززدایی، توجه به آسیب‌های اجتماعی در مدارس، شمار بالای دانش‌آموزان ترک‌تحصیلی، آزادی فعالان و معلمان زندانی، حق سازمان‌یابی و تشکل‌یابی، آزادی بیان و... از جمله مضامینی است که در مواضع فعالان و کنش‌گران فرهنگی سال‌های اخیر دیده می‌شود. این تنوع از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند گروه‌های دیگر را هم‌راه کند و در نهایت صداهای اعتراضی را در جامعه قوی و بلندتر کند.



آن‌ها به بندگی کشیدن انسان‌ها، برطرف‌کننده مشکلات انسان است. مشکل این‌ها آزادی است. اگر کسی آزادمش باشد، او را انسان نمی‌دانند بلکه او را یک موجود منحرف در نظر دارند اما در صورت بردگی برای آن‌ها، انسان تصور می‌شود. بودجه جامعه و کشور را هم در راستای به بردگی کشاندن انسان‌ها مصرف می‌کنند.

درست است که این مسأله یک حیطة وسیع را دربرمی‌گیرد اما به‌طور خاص و اگر به‌صورت جزئی به مسأله نگاه کنیم، آن‌ها ساختن بمب و موشک را به تربیت انسانی کودکان و نوجوانان ترجیح می‌دهند.

**سوال:** از دهه شصت و پس از پایه‌گذاری دانشگاه آزاد تا امروز، بحث خصوصی‌سازی آموزش مطرح است که در سال‌های اخیر به اوج خود رسیده است. کالایی‌سازی

آموزش و سپردن آموزش به بخش خصوصی چه آسیب‌هایی به حق اشتغال معلمان و حق آموزش دانش‌آموزان می‌زند؟

بدای: خصوصی‌سازی آموزش به این معناست که کسانی که درآمد کمی دارند باید برای همیشه برده ثروتمندان باشند و از آموزش کمتری برخوردار باشند. از این طریق جامعه را به طبقه دارا و ندار طبقه‌بندی کنند. کسانی که دارا هستند برای همیشه آقا و سرور و سالار باشند و کسانی که وضعیت مالی خوبی ندارند، همیشه برده افراد دارا باقی بمانند. اما چگونگی دارا شدن طبقه فرادست و نداری فرودستان اصلاً برای آن‌ها مسأله نیست. روان‌شناسان ۹۶ درصد افراد جامعه را دارای هوش نرمال می‌دانند. سه درصد دارای بهره هوشی پایین و سه درصد دیگر دارای بهره هوشی بالا هستند. آن‌ها کاری به سه درصدی که دارای بهره هوشی پایین و ۹۶ درصدی

## رسول بدای: آموزش و پرورش جزو

### اولویت‌های سران حکومت در ایران نیست



جواد عباسی تولی

سوی معلمان در ماه‌های اخیر با رسول بدای، معلم و دبیر کانون صنفی معلمان اسلام‌شهر گفت‌وگو کرده است.

**سوال:** از اصلی‌ترین مطالبات اخیر معلمان به سرانجام رسیدن طرح رتبه‌بندی است. چه موانعی بر سر راه اجرا و تصویب این طرح وجود دارد؟ به نظر شما چرا مسئولان به اجرا و تصویب چنین طرحی تمکین نمی‌کنند؟

بدای: مانعی که در برابر این طرح وجود دارد فقط و فقط بی‌برنامگی مسئولان جمهوری اسلامی است. برای آن‌ها آموزش و پرورش در اولویت نیست. آنچه که برای آن‌ها اهمیت دارد، ساخت بمب و موشک جهت سرکوب انسان‌ها در ایران و کشورهای دیگر است. اولویت آن‌ها کشتن آدم‌هاست. آن‌ها راه حل مشکلات انسان‌ها را در سرکوب جستجو می‌کنند نه برطرف کردن موانع پیشرفت بشریت.

مسئولان حکومتی در ایران، به سرکوب فکر می‌کنند. فکر و عقل و اندیشه آن‌ها هم در همین حد است. بحث فقط و فقط نوع تفکر کسانی است که در حکومت حضور دارند. آن‌ها حل مشکلات بشریت را در کشتن می‌دانند نه در انسانیت، آگاهی و دانش و نه در آموزش و پرورش و تربیت انسانی.

تربیت انسانی برای آن‌ها در تعبد تعریف شده است. از دید

توقف روند پولی‌سازی آموزش و اعتراض به واگذاری مدارس به بخش خصوصی، همواره یکی از مطالبات اصلی معلمان در سال‌های گذشته بوده است. فعالان صنفی فرهنگیان بر این باورند تداوم این روند، حق اشتغال معلمان و همچنین حق آموزش دانش‌آموزان را پایمال خواهد کرد.

گام‌های اول پولی‌سازی آموزش در سال‌های ابتدایی به قدرت رسیدن حکومت جمهوری اسلامی و با تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در ۱۳۶۱ و تصویب قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی در سال ۱۳۶۷ در دولت اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز شد. بحران‌های اجتماعی و جنگ هشت ساله ایران و عراق اما مانع از همه‌گیر شدن این طرح در سیستم آموزش کشور شد. در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ شمسی اما پیشبرد پولی‌سازی آموزش همراه با شعارهایی همچون «سودآوری از علم» یا «خودگردانی دانشگاه و مدارس»، با شتاب بیشتری در دستور کار قرار گرفت.

سیاست واگذاری مراکز آموزشی به بخش خصوصی یا به عبارت دیگر، کالایی‌سازی آموزش، در ماه‌های پس از تشکیل دولت ابراهیم رئیسی هم کماکان دنبال می‌شود.

حقوق ما برای مذاقه بیشتر درباره مطالبات مطرح شده از

که دارای بهره هوشی متوسط هستند ندارند. قصد آن‌ها این است که سه درصدی که دارای بهره هوشی بالا هستند، در راه اهداف و آرمان‌های خود که استثمار انسان‌هاست قرار دهند و از آن‌ها به عنوان ابزار استفاده کنند. باید جامعه را تقویت کرد اما هدف حاکمیت به بردگی کشاندن مردم است. هدف این است که ۹۶ درصد، برده سه درصد باشد. این سه درصد به عنوان برده فکری حاکمیت تلقی می‌شوند و در راه انسانیت از آن‌ها استفاده نمی‌شود.

**سوال: خصوصی شدن و کالایی سازی آموزش چه آسیبی به حق معیشت معلمان می‌زند؟ آیا این مسأله تأثیری بر معیشت معلمان داشته است؟**

بدای: تبدیل آموزش به کالا، آن را به شکل یک مسأله تجاری درمی‌آورد. تجاری شدن هر پدیده‌ای انسان را از حیطة انسانیت خارج می‌کند و تمرکز را به این سو منتقل می‌کند که آیا این انسان، این کالا یا این موجود استفاده مالی دارد یا خیر. اگر استفاده مالی داشته و منجر به کسب انتفاع و سود شود، ارزش مثبت دارد و در غیر این صورت دور انداختنی و بلااستفاده تلقی می‌شود.

بدین ترتیب است که در روند خصوصی‌سازی، انسان قابلیت معاوضه را با یک کالا پیدا می‌کند. معلم، دانش‌آموز و تمام آحاد انسان‌ها در جهت استفاده مالی کاربرد پیدا می‌کنند. در صورت ایجاد سود و منفعت، مثبت تلقی می‌شود وگرنه آن را بلااستفاده، ناکارآمد و دورانداختنی تعریف می‌کنند. به این ترتیب انسان‌ها در این سیستم به افرادی که تولید سود می‌کنند یا بی‌ارزش هستند، دسته بندی می‌شوند. در این سیستم، انسان مستقل و دارای حقوق، تعریف مشخصی ندارد و افراد به صرف تولید ارزش و رفاه، معنا می‌یابند.

**سوال: چشم‌انداز چیست؟ آیا دولت و مجلس به مطالبات معلمان که بیش از یک ماه است در اعتراض به سیاست‌های دولت به خیابان‌ها آمده‌اند، تمکین خواهد کرد؟**

## معین خزائلی: تداوم روند کالایی سازی آموزش، تعرض به حق اشتغال معلمان است

جواد عباسی تولی

حقوق ما برای واکاوی بیشتر مطالبات معلمان در ایران، با معین خزائلی، روزنامه نگار و حقوق‌دان گفتگو کرده است.

معلمان در ماه‌های گذشته با توسل به روش بست‌نشینی یا خودداری از حضور در کلاس‌های درس، در اعتراض به وضعیت معیشتی و کالایی سازی آموزش، دست به سلسله اعتصابات ادامه داری زده‌اند.

**سوال: به نظر شما واگذاری سیستم آموزشی به بخش خصوصی در ایران، چه آسیبی به «حق اشتغال معلمان» و همچنین «حق آموزش دانش‌آموزان» خواهد زد؟**

خزائلی: حق اشتغال یکی از حقوق اساسی بشری است و جزو حقوقی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشری به صراحت به رسمیت شناخته شده است. حق اشتغال زیرمجموعه حقوق اقتصادی انسان‌هاست که از جمله نسل دوم حقوق بشر است. این حق به صراحت در ماده شش از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی فرهنگی و اجتماعی به رسمیت شناخته شده است. در نتیجه به مانند دیگر حقوق بشر، مسئولیت تحقق این حق شهروندان هم بر شانه حکومت‌ها و حاکمیت‌هاست.

همچنین از آن جایی که این حق جزو حقوق ذاتی انسانی است و با کرامت انسانی پیوند خورده، حکومت‌ها موظفند که در تأمین آن کوشا باشند و دسترسی و بهره‌مندی از آن را برای همه شهروندان خود تضمین کنند. همچنین از اعمال هرگونه تبعیض در این زمینه باید خودداری کرده و شرایط برابر را برای دسترسی به این حق و تأمین آن، برای همه شهروندان فراهم

با وجود تصویب طرح رتبه‌بندی از سوی مجلس، کانون‌های صنفی فرهنگیان اعلام کرده است که طرح یاد شده «سره‌بندی» است و معلمان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. معلمان معترض خواهان تصویب طرح «رتبه‌بندی و همسان‌سازی واقعی» از سوی مجلس شده‌اند.

طرح رتبه‌بندی در سال ۱۳۹۴ برای نخستین بار در دستور کار مجلس ایران قرار گرفت. در صورت تصویب و اجرا شدن این طرح، امکان افزایش دستمزد معلمان فراهم شده و طبق آن، دستمزد معلمان در ایران بر مبنای ۸۰ درصد از حقوق هیات‌های علمی دانشگاه‌ها تعیین خواهد شد. طرح رتبه‌بندی معلمان، با اعمال اصلاحاتی از سوی نمایندگان مجلس، در اواخر آذرماه امسال به تصویب رسید.

دولت ابراهیم رئیسی اما کسری بودجه را دستاویزی برای عدم اجرای این طرح اعلام کرده است.

کنند. شروطی که درمورد دیگر حقوق بشری وجود دارد، درمورد این حق هم موجود است. افراد باید انتخاب آزادانه داشته باشند و بتوانند بدون اعمال فشار یا اجبار، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب کرده و فعالیت کنند.

تأمین حق اشتغال صرفاً با شناسایی قانون حق اشتغال میسر نیست. در قوانین داخلی ایران، در اصل ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی به صراحت حق اشتغال به رسمیت شناخته شده است. ضمن اینکه به صراحت اعلام شده که دولت موظف است این حق را برای همه شهروندان تأمین کند.

مسأله اینجاست که تأمین حق اشتغال نیاز به یک سری ابزار و لوازم دارد که توسط سازمان بین‌المللی کار به عنوان استانداردهای رسمی حقوق کار به رسمیت شناخته شده‌اند. استانداردها و حقوق اساسی کار در هشت مقاله‌نامه مشخص شده که در حقیقت تضمین‌کننده حق دسترسی شهروندان به اشتغال و تأمین آن هستند. به عنوان مثال، حق تساوی در مزد برای کار با ارزش برابر، اصلی که بر اساس آن باید در برابر کار مساوی توسط افراد، مزد مساوی پرداخت شود. بدین ترتیب عوامل تبعیض‌آمیز نباید باعث شود که برای انجام یک کار، افراد مختلف، دستمزدهای متفاوت دریافت کنند. این وظیفه حکومت‌هاست که با قوانین و نظارت‌ها این حق را تأمین کنند. حق دیگر، حق برابری در استخدام و اشتغال است. به این معنا که اعمال هرگونه تبعیض یا تفاوت در استخدام و اشتغال برخلاف حق اشتغال است و حکومت‌ها موظف هستند که شرایط را برای همه شهروندان در دسترسی به امنیت شغلی پایدار فراهم کنند.

به روشنی می‌بینیم که این دو حق یعنی برابری در استخدام و اشتغال و تساوی در مزد برای کار با ارزش برابر، در خصوصی‌سازی و کالاسازی مورد تعرض قرار گرفته و نقض می‌شود. گزارش‌های بسیار زیادی در زمینه خصوصی‌سازی مدارس در ایران وجود دارد، بر این مبنا که معلم‌هایی که در مدارس خصوصی فعال‌اند و در آنجا کار می‌کنند، دستمزد کمتری نسبت به معلمان بخش دولتی دریافت می‌کنند. این در حالی است که کار برابر و با ارزش مساوی انجام می‌دهند. مشخص است که در چنین

شرایطی حق اشتغال و امنیت شغلی مورد تعرض قرار می‌گیرد. ضمن این‌که اساساً شرایط استخدام برای اسن افراد به هیچ وجه فراهم نمی‌شود. اگرچه قوانینی که در این زمینه وجود دارد مثل آیین‌نامه اجرایی قانون تأسیس و اداره مدارس غیردولتی، بارها تغییر کرده اما خود این آیین‌نامه از ابتدا اعمال‌کننده تبعیض بود. بنابراین باعث شده که شرایط استخدام پایدار برای معلمانی که در این مدارس فعالیت می‌کنند فراهم نشود.

بیمه معلمان مدارس خصوصی که از جمله شرایط حق اشتغال است، با مشکل روبروست. همچنین ساعت کاری این معلم‌ها کمتر از ساعت کاری معلمان مدارس دولتی دارند. همه این تفاوت‌ها منجر به نقض حق دسترسی به دستمزد برابر برای کار برابر، حق دسترسی به استخدام برابر و اشتغال برابر، حق



بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و بهره‌مندی از بیمه، حقوقی که از جمله استانداردهای اساسی حقوق کار و حق اشتغال هستند، به راحتی در مدارس خصوصی در معرض تعرض قرار می‌گیرند. در خصوصی‌سازی این حق اشتغال است که نقض می‌شود. به‌ویژه که به هیچ وجه اشتغال پایدار و ثابت و آنچه که به عنوان امنیت شغلی شناخته می‌شود برای معلمانی که در مدارس خصوصی فعالیت می‌کنند، فراهم نبوده است. نتیجه خصوصی‌سازی که دست‌کم تا الان مدارس خصوصی و خصوصی‌سازی در ایران داشته، چیزی جز تعرض به حق اشتغال معلمان نبوده است.

حق آموزش از جمله حقوقی است که در اسناد بین‌المللی به عنوان حقوق اساسی بشر به رسمیت شناخته شده است. در

ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صراحت آموزش و پرورش به عنوان یکی از حقوق انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است. به صراحت اعلام شده که دست‌کم باید در مقطع ابتدایی اجباری و رایگان باشد و در مقاطع دیگر باید شرایط برای مجانی بودن آموزش توسط حکومت‌ها فراهم شود. چون از حقوق اساسی بشر به شمار می‌رود، حقی است که شهروندان از آن بهره‌مند می‌شوند. در نتیجه حکومت‌ها و حاکمیت‌ها موظفند آن را برای شهروندان خود تأمین کنند.

در قانون اساسی ایران هم به صراحت حق آموزش در اصل سوم، پیش‌بینی شده است. بر اساس این اصل دولت جمهوری اسلامی موظف است که آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه شهروندان در تمام سطوح فراهم کند. در اصل ۳۰ هم دولت موظف شده که وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه شهروندان تا پایان آموزش متوسطه فراهم سازد. می‌بینیم که دو اصل قانون اساسی به صراحت آموزش و پرورش رایگان را حق همه شهروندان و وظیفه‌ای که حکومت و دولت نسبت به آن‌ها دارد، دانسته است.

مسأله‌ای که با خصوصی‌سازی ایجاد می‌شود این است که حق آموزش رایگان دستخوش تغییر و تبعیض می‌شود. تبعیض از این منظر که افرادی که توانایی مالی دارند می‌توانند این حق را برای فرزندان خود تأمین کنند و افرادی که این حق برای‌شان فراهم نیست، از تأمین آن باز می‌مانند. ممکن است به این امر استناد شود که مدارس دولتی همچنان موجود است اما تبعیض اعمال شده تبعیض طبقه اجتماعی و دسترسی به منابع مالی است. در بهره‌مندی از حق آموزش تبعیض به این شکل پذیرفتنی نیست.

ضمن این‌که قوانین صریح بین‌المللی حقوق بشری و قوانین داخلی ایران آموزش را رایگان و دسترسی به آن را حق همه شهروندان دانسته‌اند. بنابراین اعمال خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش به‌ویژه با سیستمی که در ایران اجرا شده به این معنی است که افرادی که منابع مالی بهتر و از تمکن مالی بهتری برخوردارند می‌توانند برای فرزندان خود حق آموزش بهتر و بیشتری تأمین کنند. مسلماً افرادی که تمکن مالی ندارند،

برای آن‌ها دسترسی به این حق با مانع رو به رو خواهد بود.

**سوال: به نظر شما، با توجه به فراگیرتر شدن اعتصاب‌های سراسری معلمان، آیا مجلس و دولت در نهایت به مطالبات معلمان تمکین خواهند کرد؟**

خزائلی: مطالبات معلمان به یک یا دو مطالبه محدود نمی‌شود. از طرف دیگر، وزارت آموزش و پرورش هم کسری بودجه دارد. در بسیاری کشورها برای نظام آموزش و پرورش، بیشترین هزینه و بودجه دولتی در نظر گرفته می‌شود. در ایران اما هزینه‌ها و منابع مالی جای دیگری خرج می‌شوند. همیشه می‌بینیم که وزرای آموزش و پرورش از کمبود بودجه برای استخدام و افزایش معلمان انتقاد می‌کنند. به‌ویژه در رابطه با اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان که ۱۰ سال از سند تحولی که شورای انقلاب فرهنگی تصویب کرده بود، می‌گذرد. می‌بینیم که این طرح همچنان اجرا نشده و علت اساسی‌ای که مسئولان آن را بارها اعلام کرده‌اند، عدم تخصیص بودجه است. بودجه ناکافی است و دلیلش محدود بودن منابع است. مسلماً وقتی منابع در جاهای دیگر و نهادهای دیگر خرج می‌شود برای آموزش و پرورش بودجه کمتری در نظر گرفته می‌شود. البته اخیراً مجلس به شدت تلاش می‌کند در قانون جدید، بودجه این طرح در نظر گرفته شود اما دولت در این زمینه مقاومت می‌کند.

مطالبه دیگر معلمان مربوط به عدم و نقص اجرای خدمات کشوری است. اداره صندوق ذخیره فرهنگیان گرچه که قانوناً باید توسط بخش خصوصی انجام شود اما در دست دولت است. در همین رابطه شاهد اختلاس‌ها و فسادهای مالی گسترده بودیم که باعث حیف و میل این منابع مالی شده است. با توجه به اینکه این صندوق یکی از منابع بزرگ مالی و صندوق‌های ثروتمند است، دولت حاضر به واگذاری آن نیست. مدیران دولتی حاضر نیستند این صندوق را واگذار کنند چراکه به منابع مالی گسترده دسترسی دارند و هر حیف و میلی که بخواهند، انجام می‌دهند.

امیدوارم که این واگذاری صورت بگیرد. به‌ویژه بحث اجرای

رتبه‌بندی معلمان که به شدت با حق تساوی مزد برابر برای انجام کار با ارزش برابر و از حقوق اساسی کار مرتبط است. در کنوانسیون‌های مربوط به سازمان بین‌المللی کار در این زمینه اشاره شده که یکی از راه‌های تأمین دستمزد برابر برای انجام کار با ارزش برابر، همین نظام رتبه‌بندی در مشاغل است. این که در ایران چنین اتفاقی نیافتاده برخلاف حقوق بین‌المللی است. چون ایران به این کنوانسیون پیوسته، عدم اجرای آن تخلف محسوب می‌شود. حتی اگر رویکرد مجلس در این زمینه در حد یک ژست سیاسی باشد، امیدوار به پیگیری آن هستیم تا این قانون هرچه سریع‌تر اجرایی شود و دولت هم تمکین کند. گرچه با وضعیت اقتصادی دولت، چنین اتفاقی بعید به نظر می‌رسد. این مسأله در حقیقت مشابه همان اتفاقی است که در قانون تعرفه‌بندی پرستاران رخ داده است. از عدم تصویب و اجرای آن هم ۱۰ سال می‌گذرد. اخیراً آیین‌نامه اجرایی آن تصویب و درمورد موانع اجرای این طرح هم بهانه، کمبود بودجه اعلام شده است. وجود فساد مالی و خرج منابع مالی در جاهای دیگر متأسفانه از عوامل عدم اجرای چنین طرح‌هایی است.

اساساً اراده سیاسی و اراده حاکمیتی لازم برای حل مشکلات آموزش و پرورش در ایران وجود ندارد چراکه مشکلات فراوان موجود، جزو دغدغه‌های حاکمیت نیست. حکومت ترجیح می‌دهد منابع مالی را جای دیگری همچون سازمان‌هایی که مربوط به تبلیغات می‌شوند از جمله صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی و نهادهایی که نقش پروپاگاندایی برای جمهوری اسلامی دارند، خرج کند. همچنین هرساله بودجه‌های نهادهای امنیتی و نظامی به شدت افزایش پیدا می‌کند در حالی که این منابع باید در جایی مثل آموزش و پرورش تخصیص داده شود. تمام این موارد نشان می‌دهد که اراده سیاسی لازم در دولت‌ها وجود ندارد که آن هم برگرفته از عدم مسأله بودن آموزش و پرورش است. به این معنا که دغدغه‌ای برای رفع مشکلات آموزش و پرورش و معلمان نزد مقامات در جمهوری اسلامی وجود ندارد.

## مسعود گردپور: آموزش در ایران، مسأله‌ای طبقاتی است



آفاق ربیعی زاده

به تأمین اعتبار مشروط شده است.

مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر این موضوع با مسعود گردپور، دبیر آموزش و پرورش و روزنامه‌نگار ساکن مهاباد گفتگو کرده است.

**حقوق ما: عدم اجرای طرح رتبه‌بندی به معنای ندیده گرفتن حق معیشت معلمان و فعالان صنفی است. به نظر شما مجلس و دولت چگونه می‌توانند از تضییع حقوق معلمان جلوگیری کنند؟ دقیقاً خواسته معلمان چیست که دولت و مجلس به آن تن نمی‌دهند؟**

گردپور: وضعیت اقتصادی کشور به خاطر تحریم‌های بین‌المللی روز به روز در حال وخیم‌تر شدن است. مسئولان حکومتی اذعان کرده‌اند حدود ۴۰-۵۰ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این وضعیت روز به روز بحرانی‌تر و شرایط اقتصادی خراب‌تر می‌شود. بیشترین فشار اقتصادی بر قشرهای آسیب‌پذیر و حقوق‌بگیری وارد می‌شود که ماهیانه حقوق خود را دریافت می‌کنند همچون کارمندان دولت، معلمان، کارگران. زمانی که وضعیت این اقشار روز به روز رو به وخامت می‌گذارد، برای آن‌ها راهی جز اعتراض وجود ندارد.

طرح رتبه‌بندی سال‌هاست که در دولت‌های مختلف مطرح بوده است. حدود بیست سال است که این طرح در دولت و مجلس سرگردان است و تاکنون آن را به مرحله اجرا نرسانده‌اند.

حدود چهار ماه از آغاز دور جدید اعتصاب سراسری معلمان در ایران می‌گذرد. این سلسله اعتصابات با هدف اصلاح و تصویب لایحه رتبه‌بندی معلمان، همسان‌سازی دستمزدها و همچنین در اعتراض به روند واگذاری مراکز آموزشی به بخش خصوصی صورت می‌گیرد.

در فراخوان‌هایی که در طی این مدت، عمدتاً از سوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان صادر شده، خواسته شده معلمان که تدریس حضوری دارند در روزهای اعتصاب، ضمن حضور در مدرسه، از رفتن به کلاس خودداری کرده و در دفتر تحصن نمایند. همچنین معلمان که از طریق تدریس مجازی و برنامه شاد مشغول کار هستند، به همراه اطلاع‌رسانی و توجیه دانش‌آموزان، در روزهای اعتصاب برنامه کاری خود را تعطیل کنند.

لایحه رتبه‌بندی معلمان پیش‌تر و در ۲۴ آذرماه امسال در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ایران به تصویب رسید. بر اساس این مصوبه، حقوق معلمان باید ۸۰ درصد حقوق اساتید دانشگاه باشد.

دولت ابراهیم رئیسی اما اعلام کرده تنها ۲۵ هزار میلیارد تومان برای اجرای طرح رتبه‌بندی برای یک سال اختصاص می‌دهد و در سال جاری فقط ۱۲.۵ هزار میلیارد تومان برای اجرای این طرح اختصاص پیدا می‌کند. همچنین وضعیت سال آینده هم



در مناطق قومیتی و دو زبانه تدریس می‌کنند. درخواست آموزش به زبان مادری و اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی، مطالبه‌ای است که در شعارها و بیانیه‌ها به چشم می‌خورد. مطالبه و حقی که ۴۲ سال فراموش شده و تاکنون اجرا نشده است.

**حقوق ما:** در هفته‌های اخیر بخشنامه‌هایی از سوی قسمت‌های مدیریتی ادارات آموزش و پرورش استان‌های مختلف صادر شده که بر اساس آن، از مدیران مدارس خواسته شده که همکاران خود را در رابطه با حضور در تجمع و تحصن‌ها توجیه کنند. در این بخشنامه‌ها صراحتاً معلمان معترض را تهدید به برخورد کرده‌اند. آیا این بخشنامه‌ها می‌تواند باعث شود که معلمان از مطالبات خود دست بکشند؟ آیا این بخشنامه‌ها را می‌توان در راستای اقدامات فرافانونی در نظر گرفت؟

کردپور: متأسفانه حاکمیت به هر اعتراض و انتقادی با برخورد امنیتی پاسخ می‌دهد. سال‌هاست که با منتقدان و معترضان برخورد امنیتی می‌شود. حکم زندان برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. اگر معلم یا کارمند دولت باشند با آن‌ها برخورد خواهد شد و بعضاً اخراج می‌شوند.

هرچند بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی تجمعات بدون حمل سلاح آزاد است ولی متأسفانه دستگاه‌های امنیتی با معلمان برخورد امنیتی کرده و با ایجاد فضای رعب و وحشت، مرتب آن‌ها را احضار، بازجویی و تهدید کردند تا از مطالبات‌شان دست بردارند. صدور و انتشار این بخشنامه‌ها هم در همین راستا صورت گرفته است. بدین ترتیب به مدیران مدارس فشار آورده که با معلمانی که در اعتصابات و تجمعات شرکت می‌کنند، برخورد کنند تا آن‌ها را مجازات کرده و از حضور در تجمعات بازدارند. خوشبختانه این بخشنامه‌ها تاکنون تأثیر آنچنانی نداشته و تجمعات به شکل باشکوهی برگزار شده و هر روز هم باشکوه‌تر می‌شود. مطالبه معلمان یک مطالبه ملی است و به سرنوشت کل کشور مربوط است. آموزش و پرورش اساساً از بنیان‌های توسعه و پیشرفت یک کشور است. خوشبختانه معلمان در این زمینه پیشرو و پیگیر مطالبات هستند. اگر این مطالبات و اعتراضات دامنه وسیع‌تری به خود بگیرد در سرنوشت کل کشور می‌تواند مؤثر باشد.



**رسمیت شناخته شده است. به نظر شما چه چیزی باعث شده که این حق در ایران مسکوت بماند و اجرا نشود؟**  
کردپور: درصد بالایی از جمعیت ایران از قومیت‌های مختلف تشکیل شده است. زبان مادری این قومیت‌ها در گوشه و کنار کشور با زبان فارسی متفاوت است. آموزش زبان مادری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و یونسکو به رسمیت شناخته شده است. از این رو دانش‌آموزان و کودکان باید از حق آموزش به زبان مادری برخوردار باشند.

در اصل ۱۵ قانون اساسی هم به این مسأله اشاره شده که دولت وظیفه دارد در مدارس دو زبانه، زبان مادری را آموزش دهد. در واقع این اصل، ۴۲ سال است که اصلاً به مرحله اجرا درنیامده و مسکوت مانده است. این هم ظلم و ستمی است که به دانش‌آموزان و کودکانی که در مناطق دو زبانه زندگی می‌کنند، روا داشته می‌شود. این هم جز مطالبات اصلی معلمانی است که

با اعمال این طرح وضعیت حقوق معلمان بهبود می‌یابد. پیشتر که وضعیت اقتصادی تا این حد وخیم نبود بر اجرایی شدن این طرح اصراری صورت نمی‌گرفت. حالا که شرایط اقتصادی بسیار بد شده و حقوق ماهانه معلمان حداکثر کفاف ۱۵ روز را می‌دهد و باقی ماه را باید بدون هیچ درآمدی سر کنند، باعث افزایش اعتراضات شده است. تقریباً هر ماه معلمان اعتراضات و تحصن‌هایی را برگزار می‌کنند به این ترتیب که یا اعتصاب می‌کنند یا تجمعاتی شکل می‌دهند. در هفته‌های آینده هم به احتمال زیاد این تجمعات برگزار خواهد شد.

**حقوق ما:** مسأله‌ای که تقریباً تمام فعالین صنفی بر آن اتفاق نظر و تأکید دارند. مسأله خصوصی‌سازی آموزش یا به عبارتی، کالایی‌سازی آموزش در ایران است. به نظر شما سپردن بخش آموزش به پیمانکار خصوصی چه آسیبی به حق اشتغال و حق معیشت معلمان بزند؟

کردپور: بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، تحصیلات تا پایان دوره متوسطه باید رایگان باشد. در سطح آموزش عالی نیز دولت باید تا جای ممکن، امکانات تحصیل را برای همگان فراهم کند. سال‌هاست که در ایران بحث خصوص‌سازی مطرح است. دولت، مدارس زیادی را واگذار کرده است. در مدارس دولتی در موارد متعدد به شکل غیرمحمسوسی از دانش‌آموزان شهریه درخواست می‌کنند. اعلام کرده‌اند که از هیچ دانش‌آموزی، پولی درخواست نکنید اما عملاً برای اداره مدرسه از والدین پول می‌گیرند. همین امر باعث شده که دیگر تحصیلات در ایران، رایگان نباشد و در واقع آموزش به مسأله‌ای طبقاتی تبدیل شود. تعدادی که امکانات مالی دارند به تبع، از بهترین امکانات آموزشی هم برخوردار هستند و بقیه که وضعیت مالی خوبی ندارند، در مدارس دولتی با تراکم دانش‌آموزی بسیار بالا به تحصیلات خود ادامه می‌دهند. همین امر باعث شکل‌گیری تبعیض شده و به نوعی آپارتاید را در مدارس ایجاد کرده است. نتیجه این امر هم به وجود آمدن نارضایتی در میان اقشار کم درآمد است.

معلمانی که در مدارس خصوصی یا در بخش خصوصی تدریس می‌کنند، در برخی موارد امکانات و حقوق بیشتری دریافت می‌کنند. والدین دانش‌آموزانی که در این مدارس تحصیل می‌کنند هم وضعیت مالی بهتری دارند و به تبع، به معلمانی

که در این مدارس تدریس می‌کنند، دستمزد و حقوق بیشتری تعلق می‌گیرد. چنین والدینی این امکان را دارند که برای فرزندشان معلم خصوصی هم بگیرند. همین مسأله باعث شده که معلمان به این تفاوت‌ها و تبعیض‌ها اعتراض کنند. با توجه به اینکه کشور ایران، کشور ثروتمندی است و امکانات بسیار زیادی دارد و قانون اساسی هم صراحتاً بر آموزش رایگان برای همگان تأکید کرده است، معلمان در تجمعات صنفی‌شان به آن می‌پردازند. توقف خصوصی‌سازی آموزش، در واقع بخشی از مطالبات معلمان از دولت است.

**حقوق ما:** یکی از مطالبات صنفی فرهنگیان در ماه‌های اخیر، تحقق حق آموزش به زبان مادری بوده که در میان بیانیه‌های خود هم بر آن تأکید کرده‌اند. این حق در معاهدات و منشورهای بین‌المللی و قوانین داخلی به



## حسن نایب هاشم: در صورت ادامه اعتصاب‌ها،

### حکومت ایران به مطالبات معلمان تمکین خواهد کرد

#### آفاق ربیعی زاده

آزادی معلمان بازداشت شده در ماه‌های اخیر همواره یکی از مطالبات اصلی مطرح شده از سوی معلمان اعتصاب‌ها بوده است. دولت ابراهیم رئیسی اما از زمان آغاز دور جدید اعتصاب فرهنگیان در ماه‌های گذشته، به جای پاسخگویی، همواره با آنها برخورد امنیتی داشته است. جعفر ابراهیمی، معلم و عضو کانون صنفی معلمان تهران، روز ۱۱ بهمن ماه امسال، به دلیل فعالیت‌های صنفی خود و بابت اتهامات «نشر اکاذیب، تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور» توسط دادگاه انقلاب کرج به چهار سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

همچنین در بهمن ماه ۹۸ و به دنبال صدور حکم غیبت غیر موجه در دوران بازداشت از سوی دادگاه، مجوز تدریس این فعال صنفی فرهنگیان، توسط مدیریت آموزش و پرورش شهرستان شهریار لغو شده است.

رادا مردانی، یکی دیگر از فعال صنفی فرهنگیان است که روز ۳۰ بهمن ماه، مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان دلفان در استان لرستان بازداشت شد. برپایه اعلام کانال تلگرامی کانون صنفی معلمان، رادا مردانی پس از ضرب و شتم به زندان خرم آباد منتقل شده است.

شماری از کانون‌ها و شوراهای صنفی معلمان در روزهای گذشته، طی یک بیانیه مشترک نسبت به بازداشت فعالان

صنفی معلمان اعتراض کرده‌اند.

آنها در بیانیه خود اعلام کرده‌اند: «صدور حکم زندان برای فعال صنفی معلمی که دغدغه‌اش، معیشت معلم، عدالت آموزشی و رهایی کودکان کار از شرایط اسفبار زندگیست، غیر قابل قبول است. صدور حکم زندان برای معلمی که علیه دستبرد و تعرض مداوم به حقوق، دستمزد و استثماری نیرو کار آموزشی سخن می‌گوید، غیرقابل قبول است. اعتراض به خصوصی شدن نظام آموزشی جرم نیست، بلکه غارت ثروت‌های متعلق به مردم جرم است.»

مجله حقوق ما در پیوند با اعتصاب‌های صنفی معلمان، با حسن نایب هاشم، پزشک و مدافع حقوق بشر گفتگو کرده است.

**حقوق ما: به تازگی بخشنامه‌هایی از طرف ادارات آموزش و پرورش خطاب به مدیران مدارس صادر شده و از این طریق از آن‌ها خواسته که به همکاران خود اجازه شرکت در تجمعات و تحصن‌ها را ندهند و صراحتاً آن‌ها را به برخورد، تهدید کرده‌اند. از سوی دیگر شماری از فعالان صنفی در حال حاضر تنها به دلیل طرح مطالبات خود بازداشت شده و در زندان به سر می‌برند. به نظر شما آیا دولت در نهایت به مطالبات صنفی فرهنگیان تمکین می‌کند یا همچنان روند سرکوب را ادامه خواهد داد؟**

نایب هاشم: در رابطه با رتبه‌بندی و همسان‌سازی دستمزدها

در محافل حکومتی، پیش‌تر صحبت‌هایی شد و به این ترتیب سعی کردند میان معلمان شکاف ایجاد کنند اما معلمان سریع خود را باز یافتند و به اعتراضات خود ادامه دادند. مطالبات معلمان در سطحی است که جمهوری اسلامی با شرایط موجود و شرایط اقتصادی بد کشور، ناکارآمدی دولت و فساد گسترده، نمی‌تواند پاسخگوی آن باشد. بودجه باید از جایی تأمین شود تا اقدام کنند یا بخواهند کاری انجام دهند. با توجه به شرایط کنونی، دولت در این موضع نیست و قصدش فقط تعدیل‌های بسیار کوچک است. به همین دلیل با شکاف انداختن یا برخورد‌های امنیتی سعی در سرکوب معلمان دارد.

خوشبختانه معلمان با هشیاری تمام از طریق انجمن صنفی فرهنگیان که سابقه چند ده ساله دارد، آرام آرام به پیش می‌روند و از حق خود که حق اجتماعات مسالمت‌آمیز است دفاع می‌کند.

معلمان در تجمعات خود شعارهای ضد تبعیض سر می‌دهند. شعارهایی همچون: معلم به پا خیز/ برای رفع تبعیض و معلم داد بزن/ حق تو فریاد بزن، مهم‌ترین شعارهایی است که در این تجمعات سر داده می‌شود. به هر حال آن‌ها به این نقطه رسیده‌اند که حق خود را بخواهند و آن را فریاد بزنند.

حقوق معلمان کاملاً روشن و مشخص است. معلمان هم باید حداقل امکانات معیشتی را داشته باشند. در کشورهای دیگر شغل معلمی از شریف‌ترین مشاغل است. در ایران هم از این زاویه نسبت به شغل معلمی صحبت می‌کنند اما معلمان از حداقل حقوق و مزایا در مقایسه با سایر گروه‌های اجتماعی برخوردار نیستند. فرهنگیان در ایران از جمله اقشار مربوط به طبقه متوسط رو به پایین هستند. با اینکه بسیاری از آن‌ها ده‌ها سال تجربه دارند، در موقعیت جاری بسیاری از آن‌ها با

فقر دست به گریبان‌اند. همچنین حقوق‌های بازنشستگی آن‌ها بسیار پایین است. این‌ها همه از شرایط بد معلمان در حال حاضر است. همانطور که اشاره کردم، فعلا دولت و حکومت در موقعیتی نیست که به خواست آن‌ها تن دهد یا اینکه نمی‌خواهد تن دهد. البته در صورت تداوم اعتراضات خواه ناخواه به این نقطه خواهد رسید که مجبور به پذیرش مطالبات آن‌ها شود. مطالبات معلمان، مطالبات بلندپروازانه‌ای نیست. آن‌ها می‌خواهند در حد متعادلی از امکانات معیشتی برخوردار باشند.

**حقوق ما: در کنار درخواست تصویب طرح رتبه‌بندی توسط معلمان، یکی از مطالبات آن‌ها جلوگیری از سپردن بخش آموزش کشور به بخش خصوصی است. سال‌هاست که این مطالبه مطرح شده و در ده سال اخیر بر آن تأکید بیشتر شده است. به نظر شما خصوصی‌سازی آموزش و پرورش چه آسیبی به حق آموزش دانش‌آموزان و حق اشتغال و معیشت معلمان می‌زند؟ چرا باید در مقابل این روند ایستاد؟**

نایب هاشم: مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آموزش رایگان تا سطح متوسطه باید تضمین شده باشد. هدف چهارم برنامه توسعه پایدار در رابطه با آموزش هم همین بوده است. متأسفانه از دوران ریاست جمهوری رفسنجانی به بعد، خصوصی‌سازی مدارس و ایجاد مدارس غیرانتفاعی که در واقع انتفاعی هستند، آغاز شد. در مقطع آموزش عالی هم، دانشگاه آزاد تأسیس شد. این روند تا امروز ادامه دارد.

به‌طور کلی امکانات آموزش رایگان باید برای همگان فراهم شود و حداقل همه مردم کشور از آموزش ابتدایی و متوسطه برخوردار باشند. چنان‌که مدارس خصوصی شده است، بسیاری از تحصیل، به‌ویژه تحصیل باکیفیت محروم می‌شوند. این خصوصی‌سازی‌ها باعث ایجاد تفکیک و تفاوت در میان معلم‌ها هم شده، به این ترتیب که بخشی از معلمان از این تفکیک منتفع می‌شوند. معلمانی که در مدارس غیرانتفاعی و خصوصی تدریس می‌کنند نسبت به معلمان دیگر که در مدارس دولتی مشغول به کار هستند، حقوق و دستمزد متفاوتی خواهند داشت. با تداوم این روند تاکنون مشکلات بسیاری به وجود آمده است.

معلمان خواهان اجرا شدن اصل یاد شده در قانون اساسی

هستند. مدارس دوباره باید به بخش عمومی و دولتی بازگردانده شوند اما متأسفانه آموزش سال‌هاست که در مسیر خصوصی‌سازی قرار گرفته و به همین دلیل است که امروز شاهد عواقب آن هستیم.

**حقوق ما: با توجه به اینکه در روزهای گذشته به‌طور غیر رسمی اعلام کردند که به دنبال توافق جدید بر سر احیای برجام، بخشی از تحریم‌ها برداشته شده، به نظر شما اگر این مذاکرات به سرانجام برسد و دوباره ایران به یک کشور نفتی تبدیل شود، جمهوری اسلامی به وضعیت پیش از سال ۹۷ بازخواهد گشت و شرایط بهبود خواهد یافت؟**

نایب هاشم: هنوز تحریمی برداشته نشده است. آنچه که اتفاق افتاده، تمدید برداشته شدن تحریم‌های مربوط به مسائل هسته‌ای است. باید ببینیم که در خلال هفته‌های آتی وضع به چه منوال خواهد گذشت. برآورد من این نیست که به شرایط پیشین بازگردیم. تصور من این است که توافق حاصل خواهد شد که همه‌جانبه نخواهد بود و من با عنوان «برجامک» از آن همیشه یاد کرده‌ام. در واقع، توافق کم‌حاصلی خواهد بود. اینکه چه مقدار سانترفیوژ، اورانیوم غنی شده و گروگان را بتوانند با مقدار معینی ارز بلوکه شده، معامله کنند، مشخص نیست و باید منتظر نتایج ماند. اگر هم پولی آزاد شد، یک سیستم راستی‌آزمایی مردمی باید وجود داشته باشد. پولی که آزاد می‌شود به مردم ایران تعلق دارد. حکومت جمهوری اسلامی، نماینده جامعه ایران نیست و این پول را حیف و میل می‌کند. این پول حیف می‌شود برای اینکه جاهایی پرداخت می‌شود که ضرورتاً لزومی به پرداخت نیست. پول در کشورهای خارجی می‌شود که هم‌داستان و هم‌رأی با جمهوری اسلامی هستند. همچنین کاسبکاران تحریم، مجموعه فساد و مافیای اقتصادی‌ای که وجود دارد، بخشی از آن را بالا می‌کشند و آنچه که به مردم می‌رسد مقدار ناچیزی خواهد بود.

نهایتاً از لای انگشتان آن‌ها که سعی در مصادره این اموال به اشکال مختلف دارند، بخش معین و کوچکی به مردم می‌رسد که قطره‌ای است بر سنگ داغ و مسائل معیشتی کشور را حل نخواهد کرد.

## حقوق ما

### ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر  
ایران / محمود امیری مقدم  
سردبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: mail@iranhr.net